روزنه

هاشمی به روایت کرباسچی

● غلامحسین کرباسچی در گفت‌وگویی که با خبرگزاری ایرنا داشته، درباره موضوعات متنوعی از جمله انتخابات ریاست‌جمهوری، مسائل مالی هاشمی‌رفسنجانی و حزب کارگزاران اظهارنظر کرده است که بخش‌های مهم آن را می‌خوانید.

به نظر من بخشی از آنچه در سال ۸۸ اتفاق افتاد، انعکاس رفتار نهادینه‌ای بود که از سال ۱۳۸۴ در سطح جامعه مطرح شده و بخشی از جامعه را دشمن بخشی دیگر معرفی کرده و این مفهوم جا افتاده بود.

بسیاری از مسائل ما معلول مشکلات اقتصادی است ولی متأسفانه جنبه سیاسی پیدا کرده است. یعنی ما در جامعه دچار بدحجابی یا بی‌حجابی سیاسی هستیم. یعنی اکثریت جامعه مسلمان هستند. ما باید از روان‌شناسان، آدم‌های بااخلاق و معتقد و مراجع فکری بخواهیم بیایند و جوان‌ها را به طور مؤثر نصیحت کنند. ولی چه کار می‌کنیم؟ همه افرادی را که روزگاری مراجع فکری جامعه بودند، یکی‌یکی از دور خارج کرده‌ایم.

با شناختی که از شخص آقای روحانی دارم، اگر کسی بیاید و برنامه‌ای قانع‌کننده و تیمی کارآمد را برای اداره کشور معرفی کند، خود آقای روحانی هم در انتخابات ۹۶ به وی رأی می‌دهد.

در جامعه عده‌ای به من خیلی ابراز محبت می‌کنند و فکر می‌کنند وقتی من شهردار تهران یا استاندار اصفهان بوده‌ام، معجزه کرده‌ام. این تصور نادرست است. اگر در دوره‌ای اتفاقی می‌افتد، محصول مجموعه‌ای از عوامل است نه یک فرد.

عکس این تصور هم در مورد من هست. چند روز پیش در زنجان، خبرنگار یکی از رسانه‌های تندرو به من گفت: شما در دور اول انتخابات مجلس دهم حامی اصلی مالی اصلاح‌طلبان بودید. پاسخ دادم بنده نه در این انتخابات که در هیچ دوره دیگری کوچک‌ترین نقشی در تأمین مالی امکانات نامزدها نداشته‌ام. اگر کمکی بوده از طرف مردم به تشکیلات اصلاح‌طلبان داده شده است. این دو تصور در مورد من در جامعه وجود دارد؛ نمی‌دانم کدام غالب است اما هر دو آنها غلط است.

من درباره دادگاه بارها صحبت کرده‌ام؛ آنچه در جلسات علنی دادگاه گذشت را همه مردم دیده‌اند امروز هم به یُمن شبکه‌های اجتماعی در دسترس همه هست؛ لازم نمی‌دانم تکرار کنم. به‌نظرم بهتر است به جای سؤال از من، نیم‌نگاهی به معدل افکار عمومی و قضاوت جامعه داشته باشید.

در مورد آقای هاشمی بهتر است خود ایشان صحبت کنند. ولی زندگی هاشمی در زمان امام با الان، چه از نظر ظاهر و چه محتوا، فرقی نکرده است. اگر امام، هاشمی را آدمی اشرافی می‌دانستند، این‌قدر به او اعتماد نمی‌کردند و اختیارات نمی‌دادند.

خانه امام و هاشمی بسیار نزدیک به هم بود. نمی‌دانم امام، خانه هاشمی رفته بودند یا نه ولی حاج احمدآقا زیاد رفت‌وآمد می‌کرد. اگر مشکلی بود، همان موقع از چشم امام دور نمی‌ماند. خود من می‌گویم از زمان حیات امام تا به حال، هاشمی یک رنگ، روی نمای سیمانی خانه خود نزده است یا حتی یک فرش به خانه‌اش اضافه نکرده است. همان چیزی که در زمان امام در خانه هاشمی بود الان هم هست. زیروبم‌های زندگی هاشمی برای امام روشن بود.

شمشیر بیان ایشان بُراست. همان‌موقع افرادی در نماز جمعه شعار می‌دادند؛ مخالف هاشمی دشمن پیغمبر است. همان روز هم ما این شعار را قابل‌قبول نمی‌دانستیم چراکه ممکن بود کسی از لحاظ سیاسی با هاشمی مخالف باشد ولی مخالفتی با پیغمبر نداشته باشد. حالا عده‌ای از همان افراد شعارهایی ۱۸۰ درجه خلاف آن و علیه هاشمی می‌دهند.

اگر نقطه‌ضعفی در زندگی هاشمی وجود داشته چرا تاکنون اقدامی نشده است؟ چه در زمان امام و چه حالا، دستگاه‌های نظارتی کشور هیچ‌گاه زیر نظر هاشمی نبوده‌اند. اگر خلافی در زندگی ایشان بود مطمئن باشید این دستگاه‌ها در اعلام آن کوتاه نمی‌آمدند.در مورد مهدی هاشمی، فرزند ایشان، هم سؤالی در افکار عمومی وجود دارد و آن اینکه پرونده وی مربوط به چه زمانی است؟ اگر مربوط به الان است خب اطلاع‌رسانی کافی درباره اتهامات و دفاعیات وی شود. اگر هم مربوط به ۱۵ سال پیش بوده چرا در طول این مدت به آن رسیدگی نشده است؟ چه کسی مانع این رسیدگی بوده است؟

بگویند هاشمی با بنز رفت‌وآمد می‌کند. مگر بنز مال آقای هاشمی است؟ این مال بیت‌المال است که برای حفاظت از ایشان در اختیار تیم حفاظت ایشان قرار گرفته است. مگر بقیه مسئولان و مقامات مملکتی چگونه رفت‌وآمد می‌کنند؟ با دوچرخه و موتور گازی؟ تازه حساسیتی که روی هاشمی است از خیلی شخصیت‌های دیگر بیشتر است. کارگزاران از نظر مالی تاکنون چه خلافی داشته است؟ یک‌بار در همان پرونده سال ۷۷ هم اتهامی را بابت کمک مالی روزنامه همشهری به ستاد انتخاباتی آقای خاتمی وارد کردند که در نهایت مشخص شد تهمت بوده و دادگاه نیز در آن‌باره حکم تبرئه داد.ما همیشه از محضر آقای هاشمی رهنمود گرفته و می‌گیریم. ولی خود ایشان هم گفته‌اند که پدر معنوی این حزب نیستند. کارگزاران سازندگی اکنون در جایگاهی است که مجموعا از خط‌مشی‌های جناب آقای هاشمی، انقلاب، نظام و اسلام به اندازه کافی قوام گرفته تا بتواند روی پای خود بایستد.

politics@sharghdaily.ir

۳ روایت متفاوت از دستگیری عاملان ترور شهید مطهری

چه کسی فرقان را دستگیر کرد؟

ادامه از صفحه اول

همه این اقدامات کاملا خودجوش بود. دوستان ما در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز از روی تعهد و علاقه‌ای که به انقلاب داشتند، بدون اینکه کسی به آنها چیزی بگوید، دور هم جمع شدند و گفتند باید فکری کرد، ممکن است گروه فرقان افراد دیگری را هم شهید کند. پس باید کاری کرد. من تشخیص دادم با امکانات سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نمی‌توان کار اساسی انجام داد. در سپاه نیز کسی به ما چیزی نگفت و این برداشت خودم بود که اگر تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی‌ای برای کشور درست نکنیم که قادر باشد حوادث را به صورت فنی و سیستماتیک دنبال کند، درعمل نمی‌توان کاری انجام داد. گروه فرقان ممکن است فردا چند نفر دیگر را شهید کند، مگر اینکه ما سازمان اطلاعاتی جامعی درست کنیم. کسی به ما نگفت شما سازمان اطلاعاتی درست کنید؛ همه این اقدامات از فضای خودجوش انقلاب نشئت می‌گرفت».

«رضایی» در ادامه می‌نویسد: «چون برای ما مهم بود که بدون ازدست‌دادن زمان اگر افراد یا خانه‌های تیمی دیگری هنوز وجود دارد، سریع به آنها دسترسی پیدا کنیم. احتمال می‌دادیم بتوانیم در ۴۸ ساعت اول، اطلاعات دست اول کسب کنیم. لذا بسیاری از دوستان ما در دو روز اول برای یک لحظه خوابشان نبرد و پای کار ماندند. از طرف دیگر، دستگیرشدگان قریب به ۵۰ نفر بودند که می‌بایستی اطلاعات آنها گرفته شده و بعد از تطبیق‌دادن، اطلاعات تکمیلی از آنان گرفته می‌شد. به همین دلیل، وقت زیادی لازم بود و اگر دوستان ما می‌خواستند به سبک اداری فقط در روز هشت ساعت کار کنند، شاید دو تا سه ماه طول می‌کشید تا بتوانند تمام افراد گروه فرقان را تخلیه اطلاعاتی کنند، ولی در ۴۸ ساعت، همه کارها را انجام دادند. یکی از کارهای خوب دوستان ما برخورد اعتقادی با اعضای دستگیرشده فرقان و پرهیز از موضع قدرت و حکومت بود.

لذا خیلی از آنها نهایت همکاری را داشتند. درمورد آقای گودرزی در همان ۴۸ ساعت اول همه چیز را لو داد. بقیه یاران او نیز با ما همکاری می‌کردند. یکی از کمک‌های خیلی خوب این بود که نه‌تنها آقای گودرزی همه اطلاعاتش را داد، بلکه وقتی یک نفر از دوستانش نمی‌بُرید و حرف نمی‌زد، وقتی او را با آقای گودرزی روبه‌رو کردیم خیلی راحت اعتراف کرد. آقای گودرزی به‌آنها می‌گفت که من خودم همه اطلاعات را داده‌ام؛ شما چرا مقاومت می‌کنید؟ شما هم اطلاعات خود را بدهید. هنگامی که گروه فرقان را زدیم، من خودم را آماده کرده بودم که با اطلاعات کامل خدمت حضرت امام برسم که ایشان دچار عارضه قلبی شدند و آن حضرت را برای معالجه به بیمارستان قلب تهران آوردند. به بیمارستان رفتم، زیرا امام به سبب شهادت شهید مطهری خیلی متأثر شدند. وقتی من از طریق آقای صانعی برای اولین‌بار در قم خدمت امام رسیدم و به ایشان گفتم ما کار روی فرقان را شروع کرده و سرنخ‌هایی به دست آورده‌ایم، ایشان خیلی خوشحال شدند».

جلسه اعترافات تلویزیونی گروه فرقان

روایت الویری

اما مرتضی الویری از اعضای وقت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی روایت متفاوتی از این دستگیری در گفت‌وگوهایی که داشته ارائه کرده است. او گفته است: «به خاطر دارم مطهری را که شهید کردند بلافاصله اعلامیه دادند و بر عهده گرفتند.

وقتی برایمان محرز شد که اینها همان فرقان هستند از ارتباطات و ردپاهایی که داشتیم درصدد دستگیری آنها برآمدیم. پس از ترور آقای هاشمی، سرکوب و به طور جدی تلاش برای ریشه‌کن‌کردن فرقان را در دستور کار قرار دادیم. حتی درون سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم به چند نفر به‌ویژه پس از ترور شهید عراقی مشکوک بودیم و آنها را تحت نظر داشتیم. در آن ایام آقای هاشمی وزیر کشور شده بود. همان زمان یکی از دوستان خیلی خوب من روزی به منزل ما آمد و گفت یکی از اعضای فرقان که هم‌دوره سربازی او بوده به او پیشنهاد همکاری داده است. در واقع می‌خواست با من مشورت کند که آیا با آنها همکاری کند یا نه و من هم با برخی از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب مشورت کردم و آنها استقبال کردند که او با فرقان ارتباط برقرار کند. ما ساختمانی را نزدیک دبستان رفاه اجاره کردیم و یک طبقه آن را در اختیار فرقان قرار دادیم و در یک طبقه آن هم، یکی از اعضای مجاهدین انقلاب را که تازه ازدواج کرده بود، ساکن کردیم. ضمنا ارتباطات آنها را تحت کنترل گرفتیم.

من از طرف سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نزد آقای هاشمی‌رفسنجانی در وزارت کشور رفتم و گزارشی در این ارتباط دادم و گفتم باید پنج پیکان و پنج بی‌سیم در اختیار ما قرار بدهید. گفت اینها را با راننده می‌خواهید؟ گفتم نه، نیازی به راننده نیست. روز بعد که به دفتر سازمان رفتم، دیدم پیکان‌ها و لوازم آماده شده؛ به‌تبع آن تیمی را مجهز کردیم و یکی از دوستان پزشک که عضو سازمان مجاهدین انقلاب بود، مسئولیت کار تیم را برعهده گرفت و تعدادی از افراد جوان‌تر هم با موتور و ماشین مأمور تعقیب فرقان شدند که متأسفانه دو نفر از این دوستان در این تعقیب‌وگریزها بر اثر ترور فرقان شهید شدند؛ یکی از آنها ۴۰ روز بیشتر از ازدواجش نمی‌گذشت». الویری در پاسخ به این سؤال که حمیدرضا نقاشیان از اعضای قدیمی سپاه در مصاحبه‌ای گفته سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نقشی اساسی در دستگیری فرقان نداشتند و بعد از شهادت شهید مفتح، آقای هاشمی فشار آوردند که از چند نفر از اعضای سازمان مجاهدین در کار استفاده کنند؛ یکی از آنها الویری و دیگری ذوالقدر، گفته است: «والله فکر کنم آقای ذوالقدر که اصلا در این ماجرا نبود. من هم اگر آقای نقاشیان از این در وارد شود، ایشان را نمی‌شناسم. من نفی نمی‌کنم شاید آقای نقاشیان هم دخیل بودند ولی آنچه ما کار کردیم، اشاره شد».

روایت ناطق‌نوری

بااین‌حال روایت علی‌اکبر ناطق‌نوری هم از ماجرا جالب و باز هم متفاوت از دو روایت بالاست. او در مصاحبه‌ای که با فرزند شهید بهشتی، دو سال قبل انجام داده و روزنامه «شرق» آن را منتشر کرده، گفته بود: «بعد از شهادت مرحوم مطهری به دست گروه فرقان، با جمعی از دوستان نشستیم و گفتیم که نمی‌شود بنشینیم و هر روز مغزهای متفکر ما را بزنند، خوب است گروهی درست کنیم و به تعقیب و مراقبت فرقانی‌ها بپردازیم. شاید بتوان گفت که هسته اولیه این گروه: بنده، آقای نقاشیان و آقای محمد هنردوست بود و طولی نکشید که موفق شدیم در یک شب، ۱۵ خانه تیمی آنها را کشف کنیم و افراد آنها را در آن خانه‌ها از جمله رهبر گروه اکبر، گودرزی را دستگیر کردیم، البته دوستان مجاهدین انقلاب هم جداگانه در این زمینه مشغول فعالیت بودند که در یک نقطه به هم رسیدیم. پس از دستگیری آن افراد، رفتم جامعه روحانیت و به مرحوم بهشتی گفتم که ما اینها را دستگیر کردیم. بالاغیرتا اینها را دست قاضی به‌دردبخور بدهید! خصوصیت آقای بهشتی این بود که اگر کسی انتقادی می‌کرد یا چیزی می‌گفت، می‌گفتند: خودت بیا! مسئولیت این بخش را بپذیر؛ تا من گفتم که یک قاضی خوب و به‌دردبخور، گفت خب خودت بیا. اصلا من همین‌طور ماندم، گفتم من؟! آقای بهشتی خندید و گفت مگر پدر من رئیس دیوان‌عالی کشور بود؟! انقلاب است دیگر، بیا. خود ایشان اقدام کرد، حکم برای من گرفت. امام دستور داد و آقای مشکینی و آقای منتظری به من حکم دادند».

رونمایی از «زندگی و زمانه» هاشمی

روابط‌عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام: مراسم رونمایی از کتاب «زندگی و زمانه» آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی دیروز در محل مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شد.

در این مراسم علاوه بر هاشمی‌رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، علی جنتی، وزیر ارشاد، محمدعلی نجفی، مشاور رئیس‌جمهوری، رضا صالحی‌امیری، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، محمدرضا صادق، مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهوری و برخی دیگر از شخصیت‌ها حضور داشتند. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، با اشاره به فرازوفرودهای زندگی خویش، گفت: «اگرچه تمام عملکرد و برنامه‌های مهم مربوط به زندگی و مسئولیت‌هایم در تاریخ انقلاب اسلامی آمده است، ولی به دلیل انگیزه‌های شخصی از سال ۶۰ تاکنون لحظه‌به‌لحظه کارهایم را خاطره‌نویسی و ثبت کرده‌ام». او با تأکید بر این نکته که همه اتفاقات را می‌نویسم و به‌تدریج منتشر می‌شود، گفت: «فقط مسائل مربوط به اسرار نظام و آبروی افراد یا منتشر نمی‌شود یا با هماهنگی خودشان منتشر می‌کنیم». آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، با بیان این جمله که «شاید بیشترین سخنرانی‌ها در تاریخ انقلاب اسلامی و خطبه‌های نماز جمعه تا زمان اقامه نماز را انجام داده باشم»، گفت: «همه آن اسناد به‌تدریج پخش و منتشر می‌شود». رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با اشاره به موضوع ختم جنگ در جلسات با فرماندهان نظامی و دیدار با امام راحل، گفت: امام با آن نگاه بلند خویش، ملاحظات خاصی داشتند. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با ارائه تحلیلی از اتفاقات دو سال آخر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و یادآوری خاطرات و لحظات شیرین زندگی خود از پذیرش قطع‌نامه توسط امام(ره) و آغاز آتش‌بس و با تأکید بر خباثت‌های صدام، به اوضاع نابسامان اسرای ایرانی و عراقی و انتظار تلخ خانواده‌ها و مردم ایران برای آزادی آزادگان و بازگشت آنان به وطن، گفت: پس از انجام مکاتبات طولانی با صدام و نهایتا برگشت اولین گروه آزادگان به کشور، یکی از بهترین لحظات زندگی من است. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، با بیان این جمله که «واقعا از آگاهی مردم خوشحالم»، انتخابات ۹۴ را مکمل کارهای سال ۹۲ کشور دانست و گفت: ملت ایران راهی را باز کرده که تصمیمات مهم را خودش می‌گیرد. در آغاز این مراسم، دکتر جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در سخنانی کوتاه، گفت: خودم را شایسته آن نمی‌دانم که درباره شخصیت والای آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی صحبت کنم، اما باید بگویم که از روزی که خودم را شناختم تا الان که بیش از نیم‌قرن است با خدمات و مبارزات و آثار ارزنده ایشان آشنا شده‌ام. وی افزود: نگاه تازه به مسائل مختلف جامعه در حوزه علمیه قم، ایشان را در میان فضلا و علما، کم‌نظیر کرده است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با یادآوری خدمات آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در مقاطع مختلف انقلاب اسلامی، مخصوصا در زمان دفاع مقدس، گفت: به‌عنوان کسی که از نزدیک در جریان تلاش‌ها و سفرهای آقای هاشمی در طول جنگ بودم، می‌گویم که ایشان جایگاه والایی در تاریخ دارند. در ادامه، دکتر صالحی‌امیری، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، در سخنانی، با اشاره به اهمیت حفظ اسناد تاریخی، تناقضات تاریخی درباره مقطع فعالیت‌های آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق را مصداقی برای ضرورت روشن‌شدن زوایای تاریخی دانست و گفت: روایتگری تاریخ در همان روزگار و ثبت خاطرات روزانه، از ضرورت‌هاست که آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، بدون حب‌وبغض این کار را انجام داده است. جعفر شیرعلی‌نیا، مؤلف کتاب، نیز گزارشی از روند جمع‌آوری اسناد گفتاری و تصویری و تدوین آنها ارائه کرد و توضیح داد که چرا و چگونه وارد پژوهش‌های تاریخی شد و گفت: سه‌گانه مهم خود را به سرانجام رساندیم که اول زندگی و زمانه امام راحل، دوم زندگی و زمانه مقام معظم رهبری و سوم زندگی و زمانه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی است. در ادامه، نماهنگی از تلفیق فیلم‌ها و عکس‌های متعدد مربوط به سیر تدریجی تاریخ انقلاب اسلامی با محوریت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی پخش شد و سپس با حضور مؤلف و جمعی از مسئولان و وزرای فعلی و سابق جمهوری اسلامی، از کتاب رونمایی شد.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● شهریور سال ۹۳ واحدی کوچک از برج‌های در حال ساخت شرکت شهر آفتاب کیش را خریدم. اکنون که تنها شش ماه به زمان تحویل آن مانده است متوجه شده‌ام مجوز ساخت‌وساز شرکت باطل شده و میلیاردها بدهی به بانک دارد. شرکت کاملا منکر هرگونه مشکل است. واقعا چه کسی پاسخ‌گوی سرگردانی، بی‌خبری و نگرانی مردم است؟ آیا بهتر نیست ارگان‌های ذی‌ربط با شفاف‌کردن مشکلات این‌چنینی مانع از درگیرشدن افراد بیشتری در ورشکستگی یا کلاهبرداری شوند؟

● زمین بزرگی در شهرآرا تقاطع پاتریس و رامین ملکوتی وجود دارد که قبل از انقلاب قرار بود کاخ خرم شود که نشده! حالا همین‌طور مخروبه مانده و ۳۷ سال است که رها شده است. از نهادهای مسئول و به‌ویژه از جناب آقای قالیباف، شهردار محترم تهران خواهش می‌کنیم یک‌بار سری به شهرآرا بزنند و برنامه‌ای برای آبادانی این زمین به‌منظور ساخت فرهنگ‌سرا و امور فرهنگی انجام دهند.

بازتاب

● **پاسخ روابط‌عمومی منطقه ۱۴:** احتراما بازگشت به مطالب مندرج در روزنامه شرق مورخ ۹۵/۱/۲۷ و ۹۵/۱/۲۳ بدین‌وسیله پاسخ این منطقه که براساس جوابیه شهردار ناحیه یک و معاونت امور شهری و فضای سبز منطقه که اعلام گردیده بود را به شرح ذیل اعلام می‌نماید.

متن جوابیه:

احتراما پیرو مطلب مندرج در روزنامه شرق مورخ ۹۵/۱/۲۹ درخصوص محوطه ضلع شمال‌غربی تقاطع بزرگراه امام‌علی (ع) با بزرگراه شهید محلاتی به استحضار می‌رساند: «با عنایت به ضرورت احداث سوله بحران در سطح نواحی منطقه ۱۴ به استحضار می‌رساند درحال‌حاضر این منطقه شش ناحیه دارد و پنج سوله بحران که متأسفانه ناحیه یک فاقد سوله بحران می‌باشد، لذا طی بررسی‌های به‌عمل‌آمده و کارشناسی‌های صورت‌گرفته و موافقت ستاد بحران شهرداری تهران مقرر گردید در مکان موصوف سوله بحران احداث گردد؛ علی‌ای‌حال محل مورد اشاره تبدیل به سوله بحران خواهد شد.